

آزمون مدل ساختاری روابط وجدان و تعامل مادر-کودک؛ بررسی نقش واسطه‌ای کنترل تلاش‌مند

در کودکان پیش‌دبستان

1. پروین کدیور، 2. غلامرضا صرامی، 3. زهرا اشعری*

1. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، 2. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، 3. دانشجوی دکتری روان‌شناسی،

دانشگاه خوارزمی

(تاریخ وصول: 97/02/04 - تاریخ پذیرش: 97/05/09)

The Test of Structural Model of Relations among Conscience and Mother-Child Interaction in Pre-School Children: To Investigate the Meditative Role of The Effortful Control

1. Parvin Kadivar , 2. Gholamreza Sarami, 3. Zahra Ashari*

1. Professor of Psychology Group, Kharazmi University, 2. Assistant Professor of Psychology Group, Kharazmi University, 3. Ph.D student of Psychology, Kharazmi University.

(Received: Apr. 24, 2018 - Accepted: Jul. 31, 2018)

Abstract

Introduction: This study is a test of a model related to conscience development in early childhood. Researchers have studied that tow developmental bases, child's temperament and educational environment, how have relation together. This paper studies the model that links the early mother-child relationships, children's temperament trait of effortful control, and their empathy and rule-compatible conduct, two aspects of child conscience. **Method:** In play study, we used N=515 preschool students. In a developmental chain, effortful control was posited as a mediator of the links between mother-child relationship and children's conscience. Effortful control is consisted of attention focusing, inhibitory control, low-intensity pleasure and perceptual sensitivity. Mother-child relationship is consisted of conflicts, closeness and dependence. We used path analyses method and 24 paths analyzed in this model. Based on the fitting coefficients, exceptone path, the model considered suitable. **Conclusion:** Structural modeling analyses, with effortful control as a mediator, supported relationship across mother-child interaction and empathy and rule-compatible conduct of pre-school's children. Effortful control has not mediation role in effect of dependence of mother-child on rule-compatible conduct. **Result:** Findings of this study shows the importance of agency and effortful control of pre-school's children for effective interaction with mother in the irmoral internalization.

Keywords: Conscience, Empathy, Rule-compatible conduct, Mother-childinteraction, Agency, Effortful Control, Pre-school.

چکیده

مقدمه: این پژوهش به آزمون مدلی در رابطه با رشد وجدان در اوان کودکی می‌پردازد. چگونگی ارتباط دو مبنای رشدی محیط تربیتی و ویژگی‌های سرشتی کودک در رشد وجدان اخلاقی او همواره مورد مطالعه پژوهشگران بوده است. در این مقاله برای بررسی ارتباط میان عوامل درونی و محیطی در رشد اخلاقی کودک، نقش متغیر کنترل تلاش‌مند در رابطه تعامل مادر - کودک و رفتار سازگار با قانون و همدلی که دو جنبه از وجدان هستند، بررسی می‌شود. روش: بدین منظور 515 کودک پیش‌دبستانی، به طور تصادفی انتخاب شدند و مادران آن‌ها پرسشنامه‌های مربوط به هر سه متغیر را پاسخ دادند. با استفاده از روش تحلیل مسیر برای دو متغیر وابسته همدلی و رفتار سازگار با قانون و زیرمقیاس‌های تعامل مادر - کودک شامل نزدیکی (تعامل مثبت)، وابستگی و تعارض و زیرمقیاس‌های کنترل تلاش‌مند، شامل بازداری درونی، تمرکز توجه، خوشایندی محرک‌ها و حساسیت ادراکی، اثرگذاری تعامل مادر - کودک بر ابعاد وجدان در 24 مسیر بررسی شد. شاخص‌های برازش در همه مسیرهای پیشنهادی مدل، به جز یک مورد، معنادار و مناسب بود. **یافته‌ها:** در مجموع، نتایج آزمون مدل، نشان می‌دهد که تعامل مثبت مادر - کودک با واسطه کنترل تلاش‌مند بر همدلی و رفتار سازگار با قانون در سن پیش‌دبستان تأثیر دارد. همچنین نتایج پژوهش، فقدان نقش واسطه‌ای کنترل تلاش‌مند کودک را در رابطه مؤلفه وابستگی مادر - کودک بر رفتار سازگار با قانون کودک نشان می‌دهد. **نتیجه‌گیری:** این پژوهش، نقش و اهمیت عاملیت، به ویژه کنترل تلاش‌مند را در سن پیش‌دبستان، برای نتیجه‌بخش بودن تعامل مثبت با مادر در درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی نشان داد.

واژگان کلیدی: وجدان، همدلی، رفتار سازگار با قانون، تعامل مادر - کودک، عاملیت، کنترل تلاش‌مند، پیش‌دبستان.

Email: Za.ashari@gmail.com

نویسنده مسئول: زهرا اشعری

مقدمه

می‌شود (بندورا⁵، 1991؛ اسکینر⁶، 1971، همان). سومین بخش از رویکرد سنتی، نظریه‌های رشد شناختی پیاژه⁷ (1932) و کلببرگ⁸ (1962) است که بخاطر خودمحموری شناختی اولیه، کودکان را در استدلال اخلاقی بیشتر دنباله رو و در فهم قوانین و انجام آنها بیشتر مطیع می‌دانند. لذا انگیزه کودکان برای رفتار اجتماعی، انگیزه بیرونی است (همان). نوع دوم، نظریه‌هایی هستند که اخیراً بر پژوهش‌های وجدان تأثیر گذارند و از فهم وسیع‌تری از قابلیت‌های هیجانی و ادراکی در اوان کودکی برمی‌خیزد. همانند پژوهش در زمینه ریشه‌های همدلی و هیجانی انگیزش اجتماعی کودکان (آیزنبرگ⁹، 2000، به نقل از کیلن¹⁰ و اسمتانا¹¹، 2014). به علاوه ادبیات پژوهشی توسعه‌یافته در زمینه نظریه ذهن (هریس¹²، 2000، همان). همچنین نظریه قلمرو اخلاقی که قائل است کودکان برخوردار از تشخیص میان قوانین و روابط اجتماعی در قلمروهای متفاوت تعاملات اجتماعی هستند (کیلن، 2007، اسمتانا، 2006، توریل¹³، 1998، همان). بر مبنای این پایه نظری نوع دوم، متفاوت با نوع اول که ابتدا

رویکردهای سنتی و معاصر هر یک با نگاه متفاوتی به کودک، ابعاد خاصی از رشد وجدان اخلاقی را بررسی کرده‌اند. نظریه‌پردازی اخیر در بحث جامعه‌پذیری، به عاملیت انسانی میان والدین و کودکان توجه ویژه‌ای دارد. بر این مبنای، درونی‌سازی کودک در پژوهش‌های اخیر به صورت متفاوتی نسبت به گذشته تعریف می‌شود و تلقی از کودکان، افرادی عامل است که به طور فعال تجربیات جامعه‌پذیری‌شان را می‌سازند. تفکر معاصر درباره رشد وجدان اخلاقی بر پایه دو نوع نظریه است.

نوع نخست، نظریه‌های رشد اخلاقی سنتی است که کودکان را به عنوان افرادی خودمحمور و متکی بر کنترل‌های بیرونی (بیش از اتکاء بر کنترل درونی) می‌نگرد. در چشم‌انداز روان‌تحلیل‌گری، اخلاق کودک از درونی‌سازی¹ ارزش‌های والدین سوق یافته است و مربوط به وابستگی هیجانی ناشی از همانندسازی با والدین است (فروید²، 1935، به نقل از کیلن³ و اسمتانا⁴، 2014). نظریه‌های یادگیری، کودک را پاسخ دهنده به محرک‌های والدین می‌نگرند. بدین ترتیب، به تدریج قابلیت‌های خودتنظیمی در کودک رشد می‌یابد و اخلاقی شدن او از بیرون ایجاد

5. Bandura
6. Skinner
7. Piaget
8. Kohlberg
9. Eisenberg
10. Killen
11. Smetana
12. Harris
13. Turiel

1. Internalization
2. Freud
3. Killen
4. Smetana

انطباقی و البته همه اشکال عدم اطاعت را می‌توان نشانه بروز عاملیت کودک دانست، اما درونی‌سازی ارزش‌ها و مقررات اخلاقی، در گرو عاملیت مثبت است (کوچانسکا و آکسان⁶، 1995).

در دیدگاه کوچانسکا (1997)، وجدان اولیه یک نظام شخصیتی مهم است که حاصل تعامل میان خلق و خوی فردی کودک و اجتماعی شدن در خانواده است (کوچانسکا و نازان⁷، 2004). پژوهش‌های وی، یکی از نخستین مطالعات مربوط به رابطه خلق و خوی کودک و تعامل والد - کودک است. کوچانسکا وجدان را یک نظام هدایت درونی می‌داند که موجب ظهور تدریجی و حفظ خودنظم‌دهی است. خودنظم‌دهی اخلاقی، نظارت بر اعمال و رفتار را به همراه دارد. همچنین احساس گناه و پشیمانی حاصل تخطی کردن از قوانین، جنبه‌ای از وجدان اخلاقی است که سبب جبران و عذرخواهی می‌شود. پژوهش‌های وی نشان داد که کیفیت رابطه والد - کودک در کودکان با ویژگی‌های خلقی متفاوت، همچون درک و توانایی نظم‌دهی هیجانات یا توانایی‌های ذهنی و کلامی، به نتایج متفاوتی در رشد وجدان آنها در سنین پیش از دبستان می‌انجامد. یکی از ویژگی‌های مهم کودک که از بعد زیستی

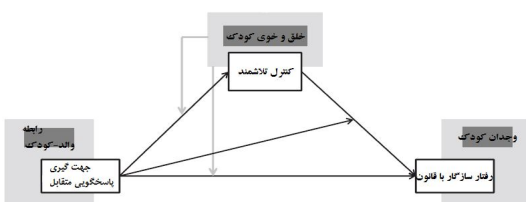
بیان شد، کودکان دارای بینش شناختی و ابعاد هیجانی هستند که بر رشد احساس و درک اخلاقی آنها اثر دارد. این پیشرفت‌های نظری به فهمی از وجدان در اوان کودکی منجر شده که بر مبنای روابط نزدیک و ناشی از فهم روان‌شناختی کودک از دیگران و نیز بر اساس فرایندهای هیجانی ساختاری¹ است. یکی از این جهت‌گیری‌ها به مطالعه وجدان در اوان کودکی، تفکرات کوچانسکا² است که یک پژوهش‌گر پیشرو در این زمینه می‌باشد. در رویکرد تعاملی وی، در درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، والدین و کودکان از نظر قدرت نابرابر ولی از نظر عاملیت، برابر دیده می‌شوند (کیلن و اسمتانا، 2014).

کوچانسکا سه نوع اطاعت کودک را متمایز می‌کند: متعهدانه³، موقعیتی⁴ و انطباقی⁵. در اطاعت متعهدانه، عاملیت کودک آشکار است. اطاعت متعهدانه توأم با علاقمندی و داوطلبانه است. اطاعت موقعیتی کودک بدون تمایل او بوده و علاوه بر نیاز به فشار خارجی، معترضانه و به طور حداقلی صورت می‌پذیرد. در انطباق، شکل اطاعت از سوی کودک تعیین می‌شود. لذا انطباق، اطاعتی عاملانه است. بدین صورت که کودک در مورد شکل اطاعت خود، جایگزین‌های خلاق ارائه می‌کند. هرچند اطاعت متعهدانه،

1. Constructive/affective processes
2. Kochanska
3. Committed compliance
4. Situational compliance
5. Accommodating

6. Aksan
7. Nazan

دارد، در تعامل مثبت با والدین و محیط نیز رشد می‌یابد. خردسالان درک از خود را از بازخوردها و رفتارهای والدین می‌یابند و رشد درک از خود، عامل رشد خودکنترلی، خویشنداری، خودتنظیمی و رشد اخلاقی کودک است (کاپ⁴، 1982). کوچانسکا و همکاران، در مدل پیشنهادی خود، کنترل تلاش‌مند را به عنوان واسطه تعدیل کننده تأثیر تعامل مادر - کودک بر وجدان مطالعه کرده‌اند (کوچانسکا و کیم⁵، 2014؛ نوردینگ و همکاران⁶، 2016).



شکل 1- مدل روابط بین درونی‌سازی رفتار سازگار با قانون، کنترل تلاش‌مند و رابطه مادر - کودک (کوچانسکا و کیم، 2014)

یکی دیگر از عناصر وجدان کودک، همدلی است که کوچانسکا آن را در مدل فوق بررسی نکرده است. وی رفتار سازگار با قانون و هیجانات اخلاقی را عناصر وجدان عنوان کرده است (آکسان، کوچانسکا و اورتمن⁷، 2005). در نگاه وی، همدلی و احساس گناه، دو احساس اصلی از هیجانات

کودک مورد بررسی قرار گرفته، کنترل تلاش‌مند است.

کنترل تلاش‌مند، شامل توانایی‌های مدیریت ارادی توجه، کنترل بازداری یا کنترل فعال‌سازی رفتار در صورت نیاز به انطباق با قواعد است. بخصوص وقتی که کودک تمایل به انجام کاری ندارد (کوچانسکا، ماری و کوی¹، 1997). به طور نمونه در مواقعی که امکان حواس‌پرتی وجود دارد، کودک کارش را قطع نکند و با تمرکز و توجه، تکلیفی را که دلچسب نیست به انجام برساند. چنین قدرتی که در پنج سال اول زندگی کودک رشد می‌یابد، مبنای خودتنظیمی است. به ویژه سنین پیش‌دبستان زمان ظهور سریع مبانی خلقی کنترل تلاش‌مند است (روثبارت² و همکاران، 2001). لذا در این پژوهش، دوره سنی پیش‌دبستان جهت مدل‌یابی مورد توجه قرار گرفته است.

در ادبیات پژوهشی این بحث، برخی پژوهش‌گران رابطه وجدان و تعامل مادر - کودک را از طریق واسطه‌گری کنترل تلاش‌مند یافته‌اند. اسپینراد³ (2012)، نشان داده است که حساسیت‌های مادرانه از طریق تأثیر روی کنترل تلاش‌مند کودک، بر صلاحیت‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی کودک اثر می‌گذارد. برخی معتقدند در عین حال که کنترل تلاش‌مند کودک، جنبه زیستی

4. Kop
5. Kim
6. Nordling
7. Ortmann

1. Murray & Coy
2. Rothbart
3. Spinrad

تأثر این عوامل قابل بحث است. اهمیتی که نظریه پردازان به عوامل بیرونی و درونی می‌دهند و تفسیری که از ارتباط این دو عامل به عمل می‌آورند با یکدیگر متفاوت است. به طور مثال، دو نظریه افراطی در این زمینه، مربوط به فروید و اسکینر است که اولی نیروی ناشناخته ناخودآگاه و دومی نیروهای محیطی را تعیین کننده رفتار انسان می‌دانند. در مجموع، همواره رابطه بین تعیین کننده‌های بیرونی و درونی رفتار، یکی از بنیادی‌ترین و بحث‌انگیزترین مسائل است (کدیور²، 1391). این پژوهش درصدد یافتن چگونگی نقش عناصر بیرونی و درونی در رشد وجدان کودک و درونی‌سازی اخلاقی است.

با توجه به موارد مذکور، پژوهش حاضر به آزمون مدل زیر در رابطه با رشد وجدان در اوان کودکی می‌پردازد. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی روابط میان عوامل مؤثر بر رشد وجدان در مقطع پیش‌دبستان در قالب مدل ساختاری زیر است. در این مدل، درونی‌سازی رفتار سازگار با قانون و همدلی، متغیرهای وابسته، تعامل مادر - کودک، متغیر مستقل و کنترل تلاش‌مند، که سن حساس رشد آن مقطع پیش‌دبستان است، به عنوان متغیر واسطی بررسی می‌شود.

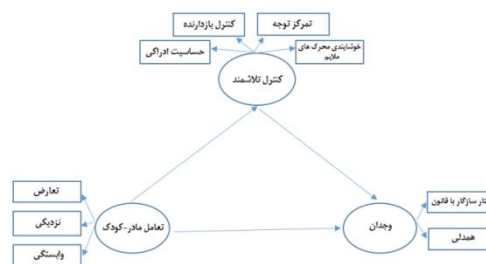
اخلاقی هستند. کودکانی که در پاسخ به پریشانی¹ دیگران، پریشانی همدلانه ابراز می‌کنند، در غیاب نظارت دیگران نیز درونی‌شدن رفتار را نشان می‌دهند (همان). از سویی، پژوهش‌ها رابطه مثبت میان تعامل مادر - کودک و همدلی را نشان داده است. ابراز احساسات مکرر والدین که نه آسیب‌زا و نه رنج‌آور هستند، کودکان را تشویق به ابراز هیجان‌اتشان به دیگران می‌کند. درجه و کیفیت ابراز احساسات در خانواده، نه تنها کیفیت تعاملات خانواده را منعکس می‌کند، بلکه همچنین به کودکان می‌آموزد چه نوع و چه میزان هیجان‌اتی را انتظار می‌رود نشان دهند یا تجربه کنند و چگونه آنها را تنظیم و مدیریت کنند (کیلن و اسمتانا، 2014). علاوه بر این، پژوهش‌ها رابطه مثبت میان کنترل تلاش‌مند و همدلی را تأیید کرده است. در پژوهش روئبارت و همکاران (2001) روی کودکان 6 تا 7 ساله، کودکان با کنترل تلاش‌مند بالا، برخوردار از همدلی بیشتر و پرخاشگری کمتر بودند. لذا با توجه به پژوهش‌های مذکور، لازم است نوع روابط متغیرهای مدل با همدلی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

تا اینجا بر عوامل تعامل والد - کودک و کنترل تلاش‌مند کودک، به عنوان متغیرهای بیرونی و درونی مؤثر بر وجدان و درونی‌سازی بحث شد. اما چگونگی تأثیر و

2. Kadivar

1. Distress

تعامل مادر - کودک و رفتار سازگار با قانون و همدلی در کودکان پیش‌دبستانی است.



روش

جامعه آماری این پژوهش، تمام پیش‌دبستان‌های کشور است. جامعه در دسترس، پیش‌دبستان‌های شهر تهران است و نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی از میان آن‌ها انجام شد. به منظور برآورد حجم نمونه، از قاعده نسبت حجم نمونه به تعداد گویه‌ها استفاده می‌شود. مولر⁶ (1996)، حداقل این نسبت را پنج به یک عنوان کرده است (به نقل از قاسمی⁷، 1391). بر این اساس، 515 نمونه کودک از سنین پیش‌دبستان، 5 تا 7 سال، به روش فوق از مناطق آموزشی شهر تهران انتخاب شد. مادران برای انجام پرسشنامه‌ها نوجیه شده و سوالات را پاسخ دادند. پس از حذف نمونه‌هایی که سوالات پاسخ نداده داشت، تعداد 505 نمونه برای انجام آزمون‌های آماری بدست آمد.

ابزارهای به کار رفته در پژوهش به شرح زیر است: برای بررسی تعامل مادر - کودک مقیاس رابطه والد - فرزند استفاده شد که توسط پیانتا⁸ ساخته شده و شامل 33 سؤال است. این مقیاس از زیرمقیاس‌های نزدیکی، وابستگی، تعارض و رابطه مثبت کلی مادر

شکل 2. مدل رشد وجدان کودک با متغیر میانجی

کنترل تلاش‌مند

در مدل فوق، ابعاد کنترل تلاش‌مند، شامل تمرکز توجه¹، کنترل بازدارنده درونی²، خوشایندی محرک‌های ملایم³ (حساسیت به خوشی بسیار کم) و حساسیت ادراکی⁴ است (پوتنام و روئبارت⁵، 2006). منظور از تعامل مادر - کودک، رابطه متقابلی است که بین مادر و فرزند وجود دارد و اینکه آن‌ها بر یکدیگر اثر می‌گذارند. کوچانسکا و یژگی‌های مهم دوسویه بودن رابطه را پاسخ‌گویی متقابل و سپری‌شدن زمان خوب بین والد و کودک یافته است. مطابق دیدگاه وی، رشد وجدان اولیه بر مبنای رشد پاسخگویی متقابل میان والد و کودک صورت می‌گیرد. منظور از پاسخگویی، محبت و حمایت در یک رابطه گرم و مثبت است.

مطابق مدل و توضیحات فوق، هدف این پژوهش، تعیین نقش کنترل تلاش‌مند در رابطه

6. Moller
7. Ghasemi
8. Pianta

1. Attention Focusing
2. Inhibitory Control
3. Low-intensity Pleasure
4. Perceptual Sensitivity
5. Putnam & Rothbart

پس از جمع‌آوری داده‌ها مدل ساختاری آزمون شده و شاخص‌های برازش مورد نظر محاسبه شد. برای بررسی نقش واسطه‌گری، از روش تحلیل مسیر و ابزار ایموس استفاده شد.

مفاهیم تحلیل مسیر از طریق نمودار مسیر که پیوندهای علی احتمالی بین متغیرها را آشکار می‌سازد، تبیین می‌شود. یکی از حالت‌های ممکن در معادلات، تحلیل‌های واسطه‌ای و تعدیل‌کننده می‌باشد. بر پایه پیشنهاد بارون و کنی چنانچه با ورود متغیر واسطه‌ای به معادله، اثر متغیر مستقل از گام اول به گام دوم کاهش پیدا کند واسطه‌گری احراز می‌شود. مراحل پیشنهادی بارون و کنی (1985) به روش رگرسیون سلسله مراتبی همزمان (تحلیل مسیر) است. در این پژوهش از نسخه اصلاح شده روش بارون و کنی توسط متیو و تیلور (2006) استفاده شده است (هیر³ و همکاران، 2009، 365). با توجه به استفاده از روش بازنمونه‌گیری (بوت استرپ)، نمونه تا حد ممکن شبیه به جامعه است و مفروضه‌ها برقرار هستند.

یافته‌ها

از آنجایی که شاخص‌های برازش معنی‌دار بود. به بررسی اثرات پرداختیم و جداول مربوطه برای پاسخ به سؤالات واسطه‌گری و پیش‌بینی در ادامه ارائه می‌شود. این قسمت

فرزند تشکیل شده است. روایی محتوایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش ابارشی و همکاران بدست آمده است. حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی هر کدام به ترتیب با آلفای کرونباخ 0/83، 0/69، 0/46، 0/84 منطبق هستند. پایایی این حوزه‌ها نیز به ترتیب 0/60، 0/70، 0/84، 0/86 گزارش شده است (ابارشی¹ و همکاران، 1388). نمره کنترل تلاش‌مند، از زیرمقیاس پرسشنامه «رفتار کودک» روئبارت و پوتنام (2006) بدست آمد. پرسشنامه رفتاری روئبارت برای ارزیابی کودکان سه تا هشت سال است. فرم کوتاه این پرسشنامه، شامل 26 سوال در زیر مقیاس کنترل تلاش‌مند است. ضریب آلفا برای کنترل تلاش‌مند در فرم بسیار کوتاه 0/74 گزارش شده است (اسماعیلی، نوری و مرادی²، 1395).

برای سنجش درونی‌سازی رفتار سازگار با قانون و همدلی از پرسشنامه کوچانسکا (1997) استفاده شد. پاسخ‌ها، مقیاس لیکرت 7 درجه‌ای را در بر می‌گیرد. درونی‌سازی رفتار سازگار با قانون شامل 20 پرسش و همدلی شامل 13 پرسش است. این پرسشنامه‌ها تاکنون در ایران اعتبارسنجی نشده‌اند، لذا برای نخستین بار در این پژوهش اعتبارسنجی شد و اعتبار درونی کل پرسشنامه 0/89 بدست آمد.

1. Abareshi
2. Esmaili, Noori & Moradi

3. Hir

شامل جدول شاخص‌های برازش مدل، جدول کلی، مستقیم و غیر مستقیم است. همبستگی متغیرها و جدول معناداری اثرات

جدول 1. ضرایب همبستگی متغیرها

همدلی	رفتار سازگار با قانون	تمرکز توجه	بازداری	خوشایندی محرک‌های ملایم	حساسیت ادراکی	نزدیکی	وابستگی	تعارض
همدلی	1*							
رفتار سازگار با قانون	0/315*	1*						
تمرکز توجه	0/291**	0/357*	1*					
بازداری	0/384*	0/591*	0/325*	1*				
خوشایندی محرک‌ها	0/402*	0/233*	0/246*	0/324*	1*			
حساسیت ادراکی	0/420*	0/203*	0/199*	0/309*	0/343*	1*		
نزدیکی	0/468*	0/408*	0/324*	0/452*	0/456*	0/390*	1*	
وابستگی	0/081 ns	-0/064 ns	-0/187*	-0/024 ns	0/185*	0/006*	0/129*	1*
تعارض	-0/287*	-0/475*	-0/378*	-0/443*	-0/196*	-0/233*	-0/507*	0/362*

جدول مشاهده می‌شود، در زیرمقیاس‌های تعامل مادر و کودک، نزدیکی و تعارض با همدلی و رفتار سازگار با قانون رابطه معنی‌دار دارند. متغیر وابسته‌ی رفتار سازگار با قانون، بیشترین همبستگی مثبت را با بازداری درونی دارد. همچنین متغیر وابسته‌ی همدلی، بیشترین همبستگی مثبت را با نزدیکی به مادر دارد. هر دو متغیر وابسته، بیشترین همبستگی منفی را با تعارض با مادر دارند.

جدول 1، همبستگی بین متغیرهای پژوهش و سطح معنی‌داری آن‌ها را نشان می‌دهد. همبستگی نوع رابطه و جهت رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد و اینکه افزایش یا کاهش یکی، چه تاثیری بر افزایش یا کاهش متغیر دیگر دارد. اما این همبستگی ضرورتاً دال بر رابطه علی بین متغیرها نیست. بر اساس جدول همبستگی ارائه شده، همه موارد، به جز موارد زیر خط دار، در سطح 0/99 (کمتر از 0/01) معنی‌دار هستند. همانطور که در

پروین کدیور و همکاران: آزمون مدل ساختاری روابط وجدان و تعامل مادر- کودک؛ بررسی نقش واسطه‌ای ...

جدول 2. جدول برازش مدل برای متغیرهای وابسته

RFI	CFI	TLI	IFI	NFI	RMS EA	PGFI	AGFI	GFI	P	X ² /d.f	متغیر واسطه	متغیر مستقل	همدلی
0/736	0/888	0/876	0/890	0/762	0/036	0/776	0/908	0/923	0	1/651	تمرکز توجه	نزدیکی	1
0/747	0/886	0/874	0/887	0/771	0/038	0/777	0/903	0/918	0	1/744	بازداری درونی		2
0/699	0/844	0/829	0/847	0/726	0/043	0/775	0/890	0/906	0	1/922	خوشایندی محرک‌ها		3
0/741	0/878	0/866	0/880	0/765	0/040	0/775	0/899	0/914	0	1/800	حساسیت ادراکی		4
0/628	0/782	0/756	0/787	0/668	0/049	0/750	0/890	0/909	0	2/195	تمرکز توجه	وابستگی	5
0/673	0/816	0/794	0/819	0/708	0/048	0/753	0/895	0/913	0	2/145	بازداری درونی		6
0/658	0/814	0/794	0/817	0/691	0/045	0/766	0/897	0/914	0	1/999	خوشایندی محرک‌ها		7
0/718	0/863	0/846	0/865	0/749	0/042	0/760	0/909	0/925	0	1/868	حساسیت ادراکی		8
0/767	0/898	0/890	0/900	0/785	0/037	0/785	0/885	0/900	0	1/689	تمرکز توجه	تعارض	9
0/769	0/892	0/883	0/893	0/787	0/040	0/783	0/883	0/898	0	1/786	بازداری درونی		10
0/747	0/894	0/871	0/882	0/765	0/039	0/786	0/879	0/894	0	1/778	خوشایندی محرک‌ها		11
0/776	0/901	0/893	0/902	0/793	0/038	0/787	0/885	0/899	0	1/708	حساسیت ادراکی		12

پروین کدیور و همکاران: آزمون مدل ساختاری روابط وجدان و تعامل مادر- کودک؛ بررسی نقش واسطه‌ای ...

RFI	CFI	TLI	IFI	NFI	RMSE A	PGFI	AGFI	GFI	P	X ² /d.f	متغیر واسطه	متغیر مستقل	سازگار با قانون
0/656	0/776	0/757	0/779	0/683	0/056	0/729	0/812	0/836	0	0/567	تمرکز توجه	نزدیکی	13
0/680	0/795	0/779	0/798	0/704	0/055	0/736	0/818	0/841	0	2/528	بازداری درونی		14
0/667	0/794	0/778	0/797	0/691	0/051	0/749	0/831	0/851	0	2/326	خوشایندی محرك‌های ملايم		15
0/711	0/835	0/820	0/820	0/735	0/048	0/755	0/851	0/871	0	2/173	حساسيت ادراكي		16
0/635	0/756	0/729	0/759	0/674	0/062	0/712	0/814	0/843	0	2/902	تمرکز توجه	وابستگی	17
0/687	0/801	0/778	0/803	0/719	0/058	0/727	0/836	0/862	0	2/669	بازداری درونی		18
0/655	0/783	0/761	0/786	0/687	0/054	0/739	0/839	0/862	0	2/476	خوشایندی محرك‌های ملايم		19
0/677	0/797	0/775	0/800	0/709	0/56	0/734	0/843	0/867	0	2/561	حساسيت ادراكي		20
0/721	0/842	0/830	0/844	0/741	0/047	0/749	0/824	0/844	0	2/123	تمرکز توجه	تعارض	21
0/741	0/858	0/847	0/860	0/760	0/046	0/757	0/838	0/856	0	2/071	بازداری درونی		22
0/720	0/848	0/838	0/850	0/738	0/044	0/763	0/836	0/853	0	1/992	خوشایندی محرك‌های ملايم		23
0/743	0/865	0/855	0/867	0/761	0/044	0/762	0/842	0/860	0	1/960	حساسيت ادراكي		24

برازش، بجز ردیف 17 معنادار بدست آمد. لذا نتایج جداول فوق نشان داد نمودار اثر وابستگی مادر- کودک بر رفتار سازگار با قانون از طریق تمرکز توجه کودک برازش مناسب ندارد.

نتیجه تحلیل مسیر انجام شده، 24 نمودار بود که واسطه‌گری متغیرها را نمایش داد. برای هر نمودار، برازش مدل و ضرایب واسطه‌گری محاسبه و به صورت جداول زیر تنظیم شد. همه مقادیر جدول

نتیجه واسطه‌گری	معنادار ریاترم ستقیم	معنادار یا ثر غیر مستقیم	ضریب اثر غیر مستقیم	C.R	معنادار یا ثر کلی	S.E	ضریب اثر کلی	متغیر واسطه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	
ندارد	**	ns	0/141	7/437	**	0/96	0/716	تمرکز توجه	تزدیکی	همدلی	1
ناقص	**	**	0/283	7/437	**	0/96	0/716	بازداری درونی			2
ناقص	**	*	0/36	7/437	**	0/96	0/716	خوشایندی محرک های ملایم			3
ناقص	**	**	0/225	7/437	**	0/96	0/716	حساسیت ادراکی			4
ناقص	**	**	-0/282	2/236	*	0/208	0/466	تمرکز توجه	وابستگی	همدلی	5
کامل	**	ns	0/098	2/236	**	0/208	0/466	بازداری درونی			6
کامل	ns	*	0/218	2/236	*	0/208	0/466	خوشایندی محرک های ملایم			7
ندارد	**	ns	-0/006	2/164	*	0/196	0/424	حساسیت ادراکی			8
ندارد	ns	ns	-0/037	-4/351	**	0/037	-0/161	تمرکز توجه	تعارض	همدلی	9
کامل	ns	**	-0/288	-4/351	**	0/037	-0/161	بازداری درونی			10
کامل	ns	**	0/083	-4/301	**	0/037	-0/161	خوشایندی محرک های ملایم			11
کامل	ns	**	-0/087	-4/301	**	0/037	-0/161	حساسیت ادراکی			12

پروین کدیور و همکاران: آزمون مدل ساختاری روابط وجدان و تعامل مادر- کودک؛ بررسی نقش واسطه‌ای ...

نتیجه واسطه‌گری	معناداری ثرمستقیم	معناداری ثرغیر مستقیم	ضریب اثر غیر مستقیم	C.R	معناداری ثرکلی	S.E	ضریب اثر کلی	متغیر واسطه	متغیر مستقل	متغیر وابسته		
کامل	ns	**	0/409	4/903	**	0/108	0/529	نزدیکی		رفتار سازگار با قانون	13	
کامل	ns	**	0/598	4/903	**	0/108	0/529				بازداری درونی	14
ندارد	**	ns	-0/001	4/903	**	0/108	0/529				خوشایندی محرکها	15
ندارد	**	ns	0/02	4/903	**	0/108	0/529				حساسیت ادراکی	16
ندارد	ns	**	-0/682	1/046	ns	0/167	0/175	وابستگی			17	
ندارد	ns	ns	0/154	1/046	ns	0/167	0/175				بازداری درونی	18
ندارد	ns	ns	0/136	1/046	ns	0/167	0/175				خوشایندی محرکها	19
ندارد	ns	ns	0	1/046	ns	0/167	0/175				حساسیت ادراکی	20
ناقص	**	**	-0/165	-5/450	**	0/063	-0/343	تعارض			21	
کامل	ns	**	-0/306	-5/509	**	0/064	-0/351				بازداری درونی	22
ناقص	**	**	-0/031	-5/509	**	0/064	-0/351				خوشایندی محرکها	23
ناقص	**	**	-0/022	-5/509	**	0/064	-0/351				حساسیت ادراکی	24

هستند. هیچ یک از زیر مقیاس‌های کنترل تلاشمند کودک میان وابستگی مادر - کودک و رفتار سازگار با قانون کودک، واسطه نیست.

ادراکی، معنادار است. این زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمند، واسطه ناقص میان نزدیکی مادر-کودک و همدلی کودک هستند.

اثرگذاری وابستگی مادر - کودک بر همدلی، از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمند کودک شامل تمرکز توجه، بازداری درونی و خوشایندی محرک‌ها معنادار است. بدین صورت که تمرکز توجه، واسطه ناقص و بازداری درونی و خوشایندی محرک‌ها واسطه کامل هستند.

اثرگذاری تعارض مادر-کودک بر همدلی کودک، از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمند کودک شامل تمرکز توجه، بازداری درونی، حساسیت ادراکی و خوشایندی محرک‌ها معنادار است. به طوری که این زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمند، واسطه کامل میان وابستگی مادر - کودک و همدلی کودک هستند.

یافته‌های سایر پژوهش‌ها نیز مؤید دستاوردهای مذکور است. در مطالعه تامپسون و همکاران در رابطه با تکلیف مقاومت کودک در برابر وسوسه، روش‌های مادر در حل تعارض با کودک، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رشد اخلاقی کودک بوده است (لایبل و تامپسون²، 2000). گفتگوهای غنی از عواطف در هنگام تعارض، بر رشد وجدان کودک و هیجان‌های همدلی و

بر اساس جداول فوق، مشخص شد که برخی ابعاد تعامل مادر و کودک، با متغیرهای وابسته، از طریق برخی ابعاد کنترل تلاش‌مند کودک اثرگذار

نتیجه‌گیری و بحث

محققان در آغاز راه مطالعه عاملیت و میانجی بودن کودکان در رشد وجدان اخلاقی هستند. در این راستا تأثیر متقابل وراثت - محیط در

پژوهش‌های مربوط به جامعه‌پذیری کودک مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگران تأثیر شرایط متفاوت محیطی را در قالب روابط والدین و کودک، بر کودکان برخوردار از خلق و خویهای متفاوت مانند خودنظم‌دهی عاطفی، حرکتی و تمرکزی در اوان کودکی بررسی کرده‌اند (کالینز¹ و همکاران، ماکویی، استنبرگ، هترینگتون و برنشتاین، 2000). در این پژوهش نیز با توجه به نتایج ارائه شده در جدول 3، تعامل مثبت مادر - کودک از طریق کنترل تلاشمند کودک، بر وجدان او، به شرح زیر اثرگذار است.

در مورد همدلی کودک، واسطه‌گری کنترل تلاشمند برای سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و تعارض مادر-کودک به شرح زیر است. اثرگذاری نزدیکی مادر و کودک بر همدلی کودک، از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمند کودک شامل بازداری درونی، خوشایندی محرک‌ها و حساسیت

2. Laible, Tompson

1. Collins

تلاشمنند کودک، بر رفتار سازگار با قانون او اثرگذار است. این امر در مورد دو زیرمقیاس مذکور به شرح زیر است. اثرگذاری نزدیکی مادر و کودک بر رفتار سازگار با قانون کودک، از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمنند کودک شامل بازداری درونی و تمرکز توجه معنادار است. به طوری که این زیرمقیاس‌ها، واسطه کامل میان نزدیکی مادر - کودک و رفتار سازگار با قانون کودک هستند.

اثرگذاری تعارض مادر و کودک بر رفتار سازگار با قانون کودک، از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاشمنند کودک شامل تمرکز توجه، بازداری درونی، حساسیت ادراکی و خوشایندی محرک‌ها معنادار است. بدین صورت که تمرکز توجه و بازداری درونی، واسطه ناقص و زیرمقیاس‌های خوشایندی محرک‌ها و حساسیت ادراکی، واسطه کامل هستند.

این یافته‌ها با پژوهش کوچانسکا و کناک⁴ (2003) همسو است. پژوهش مذکور نیز نشان داده است که کنترل تلاشمنند میانجی قدرت دستور دادن مادر و رشد ضعیف وجدان در کودکان بود. همچنین این یافته مؤید پژوهش تامپسون، مهیر و مک گینلی است که نشان می‌دهد خصوصیات سرشتی کودک می‌تواند بر نحوه اثرگذاری انضباطی والدین بر درونی‌سازی کودک تاثیر بگذارد. در پژوهش مذکور برخی کودکان بسته به مداخلات انضباطی والدین، به

احساس گناه اثر دارد. در پژوهش دان و همکاران، کودکانی که مادرانشان در حل تعارض فی‌مابین از استدلال و علائق نوع‌دوستانه استفاده می‌کردند، از نظر شاخص‌های درک اخلاقی در کودکانستان و کلاس اول بالاتر بودند (دان، براون و مگیر¹، 1995). در مقابل، مادرانی که هنگام تعارض با کودک خردسال از شیوه‌های مبتنی بر ابراز قدرت استفاده می‌کنند، احساس ناامیدی و عصبانیت از خود نشان می‌دهند و او را سرزنش یا تنبیه می‌کنند باعث می‌شوند کودک پیش‌دبستانی در شاخص‌های شناخت اخلاقی نمره پایین‌تری کسب کند (کوچانسکا، آکسان و نیکولز²، 2003). همچنین استفاده کمتر از قدرت، انعطاف‌پذیری، مذاکره به جای کنترل مستقیم و عاطفه مثبت با رشد وجدان کودک ارتباط دارد (کوچانسکا، 1991). مطالعات والینت³ و همکاران (2004) نیز نشان داده است که وقتی مادر احساسات منفی خود را به کودک ابراز می‌کند، منجر به احساس همدردی بالا در کودکانی می‌شود که کنترل تلاشمنند بالا دارند. به عبارت دیگر کنترل تلاشمنند، واسطه میان نزدیکی رابطه مادر-کودک و رشد احساس همدلی در کودک است.

در مورد رفتار سازگار با قانون کودک، واسطه‌گری کنترل تلاشمنند برای سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و تعارض مادر - کودک به شرح زیر است. توجه به نتایج مندرج در جدول 3، نزدیکی و تعارض در تعامل مادر-کودک از طریق کنترل

1. Dun, Brown & Maguire
2. Kochanska, Aksan & Nichols
3. Valiente

4. Knaack

صورت عاطفی و رفتاری به آنها واکنش نشان دادند، اما برخی دیگر به کیفیت کلی والد- کودک پاسخ دادند (تامپسون، میر، مک گینلی، به نقل از کیلن و اسمتانا، ترجمه جهانگیرزاده و همکاران، 1389). همچنین پژوهش اسپینراد (2012)، نیز نشان داد که گرما و حساسیت‌های مادرانه نسبت به نیاز کودک از طریق تأثیر روی کنترل تلاش‌مند کودک، بر صلاحیت‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی کودک اثر می‌گذارد.

اثرگذاری وابستگی مادر-کودک بر رفتار سازگار با قانون از طریق زیرمقیاس‌های کنترل تلاش‌مند کودک با توجه به نتایج ارائه شده در جدول 3، معنادار نیست. این یافته با نظریه اریکسون همسو است. بنابر دیدگاه رشد مرحله‌ای اریکسون، کودک در سال‌های پیش‌دبستانی متکی به نفس می‌شود. در این سن کودک احساس خودمختاری کرده و از احساس امنیت در جدا شدن از والدین برخوردار است. همچنین برای التزام به اصول اخلاقی آمادگی پیدا می‌کند (اریک¹، 2001، ترجمه سیدمحمدی²، 1382). قانونمندی کودک نیاز به کنترل خود و عدم وابستگی به مادر دارد. لذا وابستگی بالای کودک به مادر سبب می‌شود که کودک استقلال کافی برای درک و درونی‌سازی قوانین نداشته و صرفاً یک مقلد باشد.

در مجموع، بازداری درونی تنها زیرمقیاس کنترل هوشمند است که برای هر دو بعد وجدان

شامل همدلی و رفتار سازگار با قانون، در تمام مسیرها واسطه است. با توجه به ضرایب تأثیر در جدول شماره 3، خوشایندی محرک‌های ملایم، کمترین میزان تأثیر واسطه‌گری را ایفا کرد. همچنین بازداری درونی کودک از میان زیرمقیاس‌های کنترل تلاش‌مند، که به عنوان متغیر واسطه در این پژوهش آزمون شد، بیشترین میزان تأثیر واسطه‌گری را در رشد وجدان اخلاقی او هم در بعد همدلی و هم در بعد رفتار سازگار با قانون دارا است. این امر مطابق با دیدگاه کوچانسکا درباره کنترل تلاش‌مند است که بازداری درونی را هسته اصلی این سازه تعریف می‌کند که ظرفیت درونی کودک برای متوقف یا کند کردن یک فرایند، رفتار یا فعالیت نامناسب است و در تعامل مثبت با مادر رشد می‌یابد (کوچانسکا، 1997 و 2000).

در میان ابعاد تعامل مادر-کودک، نزدیکی یا رابطه گرم و مثبت با کودک، بیشترین اثر بخشی را بر هر دو بعد وجدان داشت. وابستگی مادر-کودک، دارای کمترین میزان تأثیر بر وجدان کودک است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کوچانسکا (2003 و 2014) منطبق است.

یافته‌های آزمون تأثیر متغیر کنترل تلاش‌مند در مدل رشد وجدان کودک نشان داد که درونی‌سازی اخلاق، امری دوسویه بوده و قابلیت‌های عاملی کودکان در سن پیش‌دبستان، نقش غیر قابل اغماض در رشد وجدان اخلاقی آنها دارد. به عبارت دیگر، احترام به قوانین و الزام درونی به آن، همچنین همدلی، مستلزم آمادگی زیستی،

1. Berk, Laura
2. Seyed Mohammadi

تعاملی مادر-کودک، که بر عامل بودن هر یک از دو طرف تاکید دارد، نقشی مهم در ایجاد و برانگیختن همدلی و درونی سازی قوانین اخلاقی کودک ایفا می‌کند.

شناختی و روانی کودک است که یک تعیینکننده درونی است. این متغیر، کنترل تلاش‌مند است که بنابر یافته‌های پژوهشگران، سن حساس رشد آن مقطع پیش دبستان است (روثبارت، هرشی، فیشر، 2001). همچنین، یافته‌ها نشان داد که رابطه

منابع

- برک، ل (1383). روان شناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی، جلد اول، تهران: ارسباران.

- قاسمی، و (1391)، برآورد حجم نمونه در مدل‌های معادله ساختاری و ارزیابی کفایت آن برای پژوهشگران اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره 12، ش 4، 138-161.

- کدیور، پ (1391)، روانشناسی اخلاق، تهران: آگه.

- کیلن، م؛ اسمتانا، ج (1389)، رشد اخلاقی، کتاب راهنما، ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده؛ علی شیخ شعاعی و سید رحیم راستی تبار. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- Aksan, N.; Kochanska, G. and Ortmann M. R. (2005). "Conscience in Childhood: Old Questions New Answers". *Developmental Psychology*, 41(3), 506-516.

- Aksan, N.; Kochanska, G. and Ortmann M. R. (2006). "Mutually Responsive Orientation Between Parents and Their Young Children:

- ابارشی ز؛ طهماسیان ک؛ مظاهری م. ع. و پناغی ل (1388). تأثیر آموزش «برنامه ارتقاء رشد روانی- اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر- کودک» بر خوداثرمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، 3 (3): 49-58.

- اسماعیلی، ف؛ نوری، ع؛ مرادی، ع. ر (1395)، تأثیر بازی‌های رایانه‌ای آموزش توجه بر شبکه‌های توجه و خلق دانش‌آموزان دارای

نارسایی توجه - بیش‌فعالی، فصلنامه کودکان استثنایی، 16(1)، 5-19.

Toward Methodological Advances in the Science of Relationships". *Developmental Psychology*, 42(5), 833-848.

- Collins, W. A.; Maccoby, E. E.; Steinberg, L.; Hetherington, E. M. & Bornstein, M. H. (2000). "Contemporary research on parenting:

The case for nature and nurture". *American Psychologist*, 55, 218-232.

- Dun, J.; Brown, J. R. & Maguire, M. (1995). "The Development of children's moral sensibility: Individual differences and emotion understanding". *Developmental Psychology*, 31, 649-659.

- Eisenberg, N.; Fabes, R. A.; Nyman, M.; Bernzweig, J. & Pinulas, A. (1994). "The relations of emotionality and regulation to children's anger-related reactions". *Child Development*, 65, 109-128.

- HirJoseph, F.; Hair, Jr. G.; Tomas, M.; Hult, Christian M. Ringle, Marko Sarstedt (2016), *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)*, Sage Publications

- Killen, M. & Smetana, J. H. Eds. (2014). *Handbook of moral development, 2nd ED*, New York, Psychology Press.

- Kochanska, G. (1991). "Socialization and temperament in the development of guilt and conscience". *Child Development*, 62, 1379-1392.

- Kochanska, G. & Aksan, N. (1995). "Mother-child mutually positive affect, the quality of child compliance to requests and prohibitions and maternal control as correlates of early internalization". *Child Development*, 66(1), 236-256.

- Kochanska, G.; Murray, K. & Coy, K. C. (1997). "Inhibitory Control as a contributor to conscience in childhood:

From toddler to early school age". *Child Development*, 68, 263-277.

- Kochanska, G. (1997). "Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: from toddlerhood to age 5". *Developmental Psychology*, 33, 228-240.

- Kochanska, G.; Aksan, N. & Nichols, K. E. (2003). "Maternal power assertion in discipline and moral discourse contexts: Commonalities, differences, and implications for children's moral conduct and cognition". *Developmental Psychology*, 39, 949-963.

- Kochanska, G. & Knaack, A. (2003). "Effortful control as a personality characteristic of young children: antecedents, correlates, and consequences". *Journal of Personality*, 71(6):1087-1112.

- Kochanska, G. & Nazan, A. (2004). Conscience in Childhood: Past, Present, and Future, *Merrill - Palmer Quarterly*, 50(3), 299-310.

- Kochanska, G.; Kim, S. & Nordling, J. (2012). "Challenging Circumstances Moderate the Links Between Mothers' Personality Traits and Their Parenting in Low-Income Families With Young Children". *Journal of Personality and Social Psychology*, 103(6), 1040-1049.

- Kochanska, G.; Kim, S. (2014). "A Complex Interplay Among the Parent-Child Relationship, Effortful Control, and Internalized, Rule-Compatible Conduct in Young Children: Evidence from Two Studies". *Developmental Psychology*, 50(1), 8-21.

- Kop, C. B. (1982). "Antecedents of self-regulation: A developmental view". *Developmental Psychology*, 18, 199-214.
- laible, D. J. & Thompson, R. A. (2000). "Mother-child discourse, attachment security, shared positive affect, and early conscience development". *Child Development*, 71, 1424-1440.
- Nordling, J. K.; Boldt, L. J.; O'Bleness J. & Kochanska, G. (2016). "Effortful Control Mediates Relations Between Children's Attachment Security and their Regard for Rules of Conduct". *Social Development*, 25 (2), 268-284.
- Putnam, S. P. & Rothbart, M. K. (2006). "Development of short and very short forms of the children's behavior questionnaire". *Personality Assessment*, 87(1), 102-112.
- Rothbart, M. K.; Ahadi, S. A.; Hershey, K. L. & Fisher, Ph. (2001). "Investigating of Temperament at Three to Seven Years: The Children Behavior Questionnaire". *Child Development*, 72(5), 1394-1408.
- Spinrad, T. L.; Eisenberg, N.; Silva, K. M.; Eggum, N. D.; Reiser, M.; Edwards, A. & et al. (2012). "Longitudinal relations among maternal behaviors, effortful control and young children's committed compliance". *Developmental Psychology*, 48, 552-566.
- Valiente, C.; Eisenberg, N.; Fabes, R. A.; Shepard, S. A.; Cumberland, A. & Losoya, S. H. (2004). "Prediction of children's empathy-related responding from their effortful control and parents' expressivity". *Developmental Psychology*, 40, 911-926.